

درباره نقش ایران در جنگ یمن، برجسته‌سازی و دروغ‌پردازی شده است

تهران - ایرناپلاس - بخش دوم گفت‌وگوی سعدالله زارعی، کارشناس مسائل منطقه با ایرناپلاس در ادامه می‌آید. در این بخش از گفت‌وگو به چرایی شکست سعودی در یمن و نقش جمهوری اسلامی در جنگ پرداخته شده است.

چرا سعودی بازنده نهایی است؟

ایرنا پلاس: برخی معتقدند در جنگ یمن، بازنده اصلی سعودی است. ارزیابی شما در این خصوص چیست؟

زارعی: به چند دلیل سعودی بازنده این جنگ است. یکی از نظر نظامی؛ سعودی ائتلاف پر قدرتی از 19 کشور را تشکیل داده است و از جنگنده‌های بسیار پیشرفته استفاده می‌کند. در حالی که طرف دیگر این ماجرا یک ضد هوایی ندارد که به هواپیمای متجاوز، حتی اخطار دهد. متجاوز بدون هیچ ترسی بمبش را روی سر مردم خالی می‌کند. در چنین شرایطی باید این جنگ خیلی زودتر از این‌ها به پایان می‌رسید. ولی الان نزدیک به چهار سال است که جنگ ادامه دارد. متجاوزان در استان‌های پهناور جنوب که فاقد جمعیت و منابع طبیعی است حضور دارند. در چنین میدانی پیروز شدن کار دشواری نیست. اما سعودی الان به منطقه سخت جنگ رسیده است. در منطقه سهل، چهار سال طول کشیده که سعودی‌ها بتوانند یک پیشروی داشته باشند. هرکسی هم نگاهی به این صحنه می‌کند، می‌گوید اگر این‌طور باشد، ده سال دیگر هم ادامه پیدا می‌کند. این یعنی شکست در حوزه نظامی.

شکست دیگر ائتلاف در حوزه اطلاعاتی است. بالاخره کشوری که می‌خواهد وارد جنگ شود، باید حساب خیلی چیزها را کرده باشد و حتماً سیستم اطلاعاتی عربستان و سیستم‌های اطلاعاتی که به‌نوعی هم‌پیمان عربستان به حساب می‌آیند، اطلاعات‌شان را در اختیار عربستان قرار داده‌اند و عربستان با حساب این اطلاعات تصمیم به عملیات گرفته است. مسلماً اگر روز اول به سعودی‌ها می‌گفتند که باید دو سال بجنگید، سعودی‌ها به همین راحتی ریسک جنگ را قبول نمی‌کردند. این اطلاعات داده شده و همه می‌دانند که اطلاعات غلط، ناکافی و گمراه‌کننده بود. بنابراین شکست دوم، شکست اطلاعاتی بود.

شکست سوم سعودی، شکست اخلاقی است. شما آمدید و به یک کشور همسایه حمله کردید. چه کسی به شما این حق را داده که علیه کشور همسایه بجنگید؟ حالا کشور همسایه دیکتاتوری باشد یا جمهوری. هر چه هست به خودش مربوط می‌شود. از دیگر سو، جنگ غنی علیه فقیر قابل قبول نیست. چراکه یک جنگ یک‌طرفه و ظالمانه است. همچنین جنگ علیه هم‌کیش امر نکوهیده‌ای است. الان می‌گویند جنگ عرب علیه عرب، و جنگ مسلمان علیه مسلمان. این هم باز یک مقوله ناپسندی است. بنابراین سعودی‌ها در این جنگ هیچ مستند اخلاقی ندارند و هیچ دفاع اخلاقی از خودشان نمی‌توانند داشته باشند. امروز این مسئله طوری غلیظ شده است که غربی‌ها هم دارند یک به یک به حرف می‌آیند و می‌گویند این جنگ مشروعیت ندارد و اخلاق و حقوق انسانی زیر پا گذاشته شده است و باید متوقف شود. این امر نشان‌دهنده این است که این جنگ از نظر اخلاقی شکست خورده و سعودی‌ها سومین شکست‌شان، شکست اخلاقی است.

چهارمین شکست سعودی، شکست تاکتیک و استراتژی است. این‌ها تاکنون چهار استراتژی را در جنگ یمن دنبال کردند. استراتژی اول، استراتژی هجوم همه‌جانبه پر شدت علیه مردم یمن بود که آن را «عاصفة الحزم» نام‌گذاری کردند. در واقع این عملیات تحت‌عنوان عاصفة الحزم شروع شد و یک سال ادامه پیدا کرد. استراتژی دوم این بود که مسئله سقوط نظامی انصارالله را کنار بگذارند و مسئله مهار انصارالله را مطرح کردند. در این مرحله نام عملیات را «اعادة العمل» گذاشتند؛ یعنی بازگشت امید. گفتند ما انصار را به‌عنوان یک عنصر سیاسی قبول می‌کنیم، ولی عنصر نظامی نباید در میان باشد و انصارالله باید سلاح و ارتش را تحویل دهد، مراکز استان‌ها را تحویل دهد و منحصرأ به‌عنوان یک حزب سیاسی فعالیت کند و جریان آقای هادی و انصارالله در قالب یک حزب سیاسی فعالیت کنند. این عملیات دو سال به درازا کشید و بعد از دو سال آمدند و گفتند عملیات

****در مورد نقش ایران واقعاً برجسته‌سازی و دروغ‌پردازی شده است**

ایرناپلاس: مشابه همان استراتژی که ما در جنگ داشتیم.

بله، که البته به جایی هم نرسید. این‌ها گفتند ما عملیات موفق را انجام می‌دهیم و جنگ را تمام می‌کنیم. البته دروغ می‌گفتند. سعودی‌ها برای اینکه به جامعه یمن بگویند ما فشارمان محدود به یک استان است، یا به انصارالله بگویند که ما در اینجا به دنبال حذف یک طایفه نیستیم و نمی‌خواهیم قتل‌عام طایفه‌ای داشته باشیم و زیدی‌ها را از دم تیغ رد کنیم، گفتند حدیده را می‌خواهیم. در صورتی که حدیده هم زیدی‌نشین است. ولی واقعیت این است که این‌ها اگر حدیده را می‌گرفتند، انرژی می‌گرفتند تا شهرهای دیگر را هم تصرف کنند. از طرفی با به دست آوردن استان حدیده معلوم می‌شد می‌شود شهرهای دیگر را از دست انصارالله درآورد. لذا جنگ تشدید می‌شد. این تاکتیک‌ها وقتی عوض می‌شوند، معنایش این است که تاکتیک قبلی شکست خورده و ناکام مانده است. لذا می‌توانیم بگوییم در این جنگ، سعودی‌ها شکست استراتژیک و شکست تاکتیکی خوردند و ناکارآمدی خودشان را در مقابل انصارالله نشان دادند.

ایرنا پلاس: نوع ورود نظام جمهوری اسلامی ایران به این موضوع در چه سطح و به چه شکلی است؟

زارعی: در مورد نقش ایران واقعاً برجسته‌سازی و دروغ‌پردازی شده است. شما می‌دانید که ما با یمنی‌ها مرز مشترکی نداریم. نه آب و نه خاک مشترک. از طرفی قطعنامه 2216 که در ابتدای این جنگ صادر شد، رسماً یمنی‌ها را محاصره کرد؛ هم در زمین هم در دریا و هم در هوا. لذا عملاً این امکان را داد که هر کشوری بتواند محموله‌ها و کشتی‌ها و رفت و آمدها را کنترل کند و حتی فراتر از کنترل بتواند برخورد کند. بعد هم این‌ها آمدند ناوهایشان را در اقیانوس هند، در منطقه خلیج عدن و در دریای سرخ چیدند که عملاً امکان کمک‌رسانی به مردم وجود نداشته باشد. بنابراین تا حد بسیار زیادی امکان کمک اقتصادی و نظامی ایران به این مردم از بین رفته است و امکان کمک وجود ندارد. یعنی ما نمی‌توانیم ناوی راه بیندازیم و ناو داخلش آرد یا دارو باشد که بخواهیم آنجا ببریم. کشورهای مثل آمریکا و فرانسه محموله را ضبط می‌کنند. کما اینکه چند مورد محموله‌ها ضبط شد و به جیبوتی منتقل شد. بنابراین کمک‌های گسترده عملاً امکان‌پذیر نیست.

اما در عین حال جمهوری اسلامی در دو سه موضوع استراتژیک به یمنی‌ها کمک می‌کرد. یک کمک در حوزه سیاسی است، بالاخره جمهوری اسلامی مخالف این جنگ و مخالف فشار بر مردم یمن است و در مجامع بین‌الملل سیاسی از حق این مردم دفاع می‌کند و علیه اشغال‌گیری متجاوزان موضع می‌گیرد. این یعنی اینکه صحنه بین‌الملل یک‌طرفه در اختیار سعودی قرار ندارد.

دومین کمکی که ما به یمنی‌ها کردیم، در حوزه فن‌سالاری است. این‌ها در یک دوره قابل‌ملاحظه‌ای جنگ نداشتند. قبل از اینکه جنگ ششم فروردین 94 آغاز شود، این‌ها دارای قدرت بودند. بنابراین در این مقطع ایران توانست بخش قابل‌توجهی از تکنولوژی‌ها را در حوزه‌های مختلف منتقل کند و یمنی‌ها بتوانند در شرایط بحران خودشان را از لحاظ صنعتی؛ اعم از صنعت نظامی و معدنی؛ اداره کنند و اگر شرایطی مثل امروز پیش آمد توان اداره خودشان را داشته باشند. این انتقال علم و فن‌آوری نقش مهمی در مقاومت مردم یمن در برابر تجاوز داشته است.

در مسئله دیگر هم هر موقعی که ما مجال پیدا کردیم و توانستیم کمک کنیم، به مردم مظلوم یمن کمک کردیم. مثلاً در یک مقطعی از طریق عمان می‌شد به یمنی‌ها کمک‌هایی رساند: مثل سوخت، آرد و دارو. یا زمانی امکان‌پذیر بوده است که از طریق نماینده دبیر کل سازمان ملل کمکی را به مردم یمن برسانیم که این کار انجام شده است. به‌خصوص در دوره نماینده سابق دبیر کل سازمان ملل، توانستیم از طریق سیستم سازمان ملل کمک‌هایی به مردم یمن برسانیم. در واقع وقتی مجالی برای ایران به دست آمده دریغ نکرده است. ولی واقعیت امر این است که مردم یمن مستقلاً مقاومت می‌کنند و این مقاومت بومی است. کل کمک‌های ما در حوزه‌های غذایی و دارویی و امثال این‌ها، حتماً بیش از چهار، پنج درصد نیازهای مردم یمن را پوشش نداده و باقی از داخل

**روزهای آخر جنگ؟

ایرنا پلاس: شما اساساً چشم‌انداز آتش‌بس در یمن را چگونه ارزیابی می‌کنید. برخی معتقدند آتش‌بس در یمن به یک معنا آغاز گفت‌وگوهای منطقه‌ای است. تحلیل شما از نقش آتش‌بس در تحولات بعدی منطقه چیست؟

زارعی: تاکنون دست‌کم در دو نوبت آتش‌بس محدود به اجرا گذاشته شده است. یک بار هم انصارالله همین امسال آتش‌بس یک طرفه را به اجرا گذاشت و یک دوره بیست روزه این اتفاق افتاد. الان آیا تکرار آتش‌بس امکان‌پذیر است؟ بله! آیا آتش‌بس الزاماً به معنای توقف جنگ است؟ نه! آتش‌بس یک مرحله‌ای قبل از تصمیم به صلح و مذاکره است. آتش‌بس می‌دهند، بعد گفت‌وگو می‌کنند و این آتش‌بس ممکن است منجر به صلح شود یا منجر به جنگ یا تشدید جنگ شود. خود آتش‌بس فی‌نفسه تعیین‌کننده وضعیت جنگ نیست. اما آتش‌بس می‌تواند نشانه این باشد که طرفی که درخواست گفت‌وگو می‌کند، تا چه اندازه در درخواست خود صادق است.

حالا سؤال شما را باید این‌جور پرسید که آیا این جنگ به‌زودی تمام می‌شود یا نه؟ پاسخی که من به این سؤال می‌دهم این است که این امر بستگی به جنگ در حدیده دارد و اگر جنگ حدیده که تا الان با شکست ائتلاف مواجه بوده، ادامه پیدا کند، یعنی ائتلاف سعودی به نتیجه‌ای نرسد و دستاورد مهمی به‌دست نیآورد، این جنگ متوقف می‌شود. به نظر من سعودی‌ها و اماراتی‌ها چاره‌ای جز گفت‌وگو نخواهند داشت. اما اگر این‌ها بتوانند در حدیده به پیروزی برسند و شهر را بگیرند که تاکنون موفق نشده‌اند، معنایش این است که می‌توانند به انصارالله غلبه کنند. نتیجه چنین وضعیتی این است که جنگ ادامه پیدا می‌کند و با شدت بیشتر سعودی‌ها حمله به استان‌های بعدی یمن را آغاز می‌کنند. به خاطر همین حدیده بسیار تعیین‌کننده است. اگر انصارالله پیروز شود، که پیروزی انصارالله یعنی اینکه آنها نتوانند شهر را بگیرند، پیروزی دیگری را ما برای یک نیروی متجاوز نمی‌توانیم قائل شویم. در واقع پیروزی او یعنی ماندن او. اگر انصارالله بتواند بماند و در این مدت یک ماه بتواند مقاومت کند و نگذارد شهر دست سعودی‌ها بیفتد، من خیلی احتمال می‌دهم که جنگ طی ماه‌های آینده متوقف شود و کار به گفت‌وگو و مذاکره سیاسی برسد.

ایرنا پلاس: تحلیل خودتان از سرنوشت جنگ حدیده چیست؟

زارعی: من تحلیلیم این است که اگر قرار بود ائتلاف به پیروزی برسد، پنج ماه کافی بود و الان وضع‌شان قوی‌تر از پنج ماه قبل نیست. بنابراین می‌توانیم بگوییم که احتمال سقوط حدیده زیاد نیست و این سقوط اگر اتفاق نیفتد، امید به ختم جنگ زیاد است.

**مرده و زنده بودن منصورهادی تأثیری بر جنگ ندارد

ایرنا پلاس: فکر می‌کنید صلح در یمن در عرصه بین‌المللی چه تأثیر و دستاوردی برای جمهوری اسلامی ایران و چه تأثیری در مناسبات منطقه‌ای دارد؟

زارعی: ما نمی‌خواستیم این‌طور دیده شود، ولی تبلیغات دشمن این‌طور نشان داد که یک طرف جنگ ایران است و طرف دیگر سعودی و آمریکا و... است. البته این امر واقعیت ندارد. ما طرف جنگ نیستیم، اما چون آنها آمدند و خیلی تبلیغات کردند، بنابراین شکست آنها در جنگ، خودبه‌خود به معنای شکست از ایران هم تلقی می‌شود و این موضع ما را در منطقه تقویت می‌کند. کما اینکه موضع آمریکایی‌ها و سعودی‌ها را در منطقه ضعیف‌تر می‌کند.

ایرنا پلاس: دو هفته پیش خبری تحت عنوان مرگ منصور هادی منتشر شد. این سنخ از اخبار نمی‌تواند نوعی پالس برای مختومه شدن جنگ باشد؟

زارعی: من فکر نمی‌کنم هادی در این ماجرا خیلی موضوعیت داشته باشد. سعودی‌ها خیلی بدهکار منصور هادی نبودند که بخواهند اینجا بدهی‌شان را بپردازند. در واقع منصور هادی برای آنها یک

ایرنا پلاس: در پایان اگر نکته‌ای را لازم به اشاره می‌دانید، بفرمایید.

زارعی: جنگ یمن یک مینیاتور است. یک مینیاتور از کشوری که دست خالی دارد، ولی مشروع است. چون از تمامیت ارضی کشورش، از ملتش و از عزت و امنیت و آینده خودش دفاع می‌کند. یک طرف دیگر دنیایی است از امکانات، تسلیحات، اعتبارات بین‌المللی و موقعیت‌های خارجی و تکیه بر نهادهای حقوقی بین‌المللی و هر چیزی که در عالم مادی بشود برای پیروزی بر ملتی کسب کرد. همه این امکانات وجود دارد، ولی مشروعیت وجود ندارد. این همه امکانات نتوانسته است ضعف مشروعیت را پوشش دهد. ولی در طرف مقابل، آن مشروعیت توانسته ضعف امکانات مالی را تا حدود زیادی جبران کند و این یک محل عبرتی برای همه ملت‌ها از جمله برای خود ما است که توجه به این مسئله داشته باشیم. اگر ما در مشروعیت داخلی، حقوق و اصول داخلی و استراتژی‌های داخلی خودمان تکیه کنیم، مشروعیت داریم و با این مشروعیت است که می‌توانیم بر همه مشکلات غلبه کنیم.

گروگان‌گیری را عملیاتی می‌کنیم. یعنی پایتخت را می‌گیریم و از طریق گروگان‌گیری پایتخت انصارالله را وادار به تسلیم می‌کنیم که این مرحله هم حدود 6 ماه به طول انجامید و در نهایت به نتیجه نرسید. شگرد چهارمی که این‌ها دنبال کردند، گفتند ما یک پیروزی بزرگ را مبنای حل مسئله قرار می‌دهیم. منظور از پیروزی بزرگ، پیروزی در حدیده بود که از ماه مبارک رمضان شروع کردند و گفتند ما ظرف یک ماه حدیده را می‌گیریم و با فتح حدیده به جنگ پایان می‌دهیم.

تأمین شده است و مردم در آنجا توانسته‌اند در شرایط سخت زندگی خود را به‌گونه‌ای که قابل دوام باشد، اداره کنند. در عین حال که فشارها و ستمگری ائتلاف در اینجا بخش قابل‌توجهی از مردم را دچار محرومیت‌های زیاد کرده است.

وسيله و ابزاری بود و یک عامل مشروعیت برای جنگ بود که بگویند ما از رئیس‌جمهور قانونی حمایت کردیم. درحالی‌که رئیس‌جمهور قانونی نبود و قبل از اینکه جنگ شروع شود، آقای هادی شخصاً استعفا داده بود. تازه مگر جنگ خارجی با درخواست رئیس‌جمهور مشروعیت پیدا می‌کند؟ بنابراین سعودی‌ها چاره‌ای نداشتند که فردی را بیاورند و بگویند این رئیس‌جمهور است و این هم درخواست رئیس‌جمهور است. اخیراً مطرح شد که آقای هادی در یکی از بیمارستان‌های آمریکا مشغول معالجه است و اصل اینکه ایشان بیمار و در آمریکا مشغول معالجه است، تأیید شده است. اشخاص نزدیک به او این موضوع را تأیید کرده‌اند. در این میان شایعه شد که ایشان مرده‌اند و یک شایعه‌ای هم مطرح شد که به‌شدت دچار بیماری مغزی شده است. با این وجود من فکر نمی‌کنم مردن یا نمردن منصور هادی در معادلات یمنی بتواند کم‌ترین نقشی ایفا کند. الان هم آقای هادی مرده سیاسی حساب می‌شود، حالا چه حیات فیزیکی داشته باشد، چه نداشته باشد.